

درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۶ بهمن ماه ۱۳۹۳

موضوع کلی: مقصد اول - أوامر

موضوع جزئی: مقام دوم: معنای اصطلاحی ماده امر - یک اشکال و بررسی پاسخ های آن

مصادف با: ۲۵ ربیع الثانی ۱۴۳۶

جلسه: ۷۳

سال: ششم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث پیرامون معنای اصطلاحی ماده امر بود. عرض کردیم مرحوم آخوند یک معنای اصطلاحی بیان کرده‌اند و آن عبارت است از قول مخصوص یا صیغه افعال و آنچه که مشابه آن است. ظاهراً این بیان مشهور هم می‌باشد لکن اشکالی نسبت به این معنا مطرح شده و پاسخ‌هایی از آن اشکال داده شده است.

اشکال این بود: این معنای اصطلاحی برای ماده امر، یک معنای حدی و اشتقاقی نیست. قول مخصوص و صیغه افعال یک معنای غیر حدی است و قابلیت اشتقاق در آن نیست در حالی که می‌بینیم مشهور برای ماده امر در فقه و اصول مشتقاتی ذکر می‌کنند مانند امر، یا امر و آمر ... لذا این معنای اصطلاحی از این جهت که معنای حدی و اشتقاقی نیست دارای مشکل است. در اینجا پاسخ‌هایی داده شده که عمدتاً این پاسخ‌ها معطوف به این است که به نوعی معنای اصطلاحی را واجد یک خصوصیت و وصف اشتقاقی معرفی می‌کند.

مرحوم آخوند فرمود: اگر گفته می‌شود معنای اصطلاحی عبارت از القول المخصوص است در حقیقت قول مخصوص دال است یعنی در واقع معنای اصطلاحی عبارت است از هو الطلب الذی یدل علیه القول المخصوص؛ لذا مدلول حذف شده و دال به عنوان چیزی که دلالت بر آن کند بیان شده پس معنای اشتقاقی وجود دارد.

محقق اصفهانی به نحو دیگری تلاش کرد که معنای اصطلاحی ماده امر را به نوعی مشتمل بر معنای اشتقاقی کند. ایشان فرمود: اینکه می‌گویند قول مخصوص و صیغه افعال معنای اشتقاقی ندارد دو احتمال در آن است.

احتمال اول این بود که چون لفظ است پس معنای اشتقاقی ندارد یعنی القول المخصوص یا صیغه از آنجا که لفظ است و لفظ هم نمی‌تواند معنای اشتقاقی داشته باشد پس معنای اصطلاحی معنای اشتقاقی نیست. این احتمال را ایشان این گونه پاسخ دادند که هر چند قول مخصوص لفظ است ولی در واقع اینچنین نیست که معنا در آن مورد توجه نباشد زیرا بالاخره این معنا در بطن و نهان قول مخصوص وجود دارد هر چند ما ماده امر را به قول و صیغه مخصوص تفسیر کنیم.

احتمال دوم از نظر محقق اصفهانی

احتمال دوم آنکه در اینجا قول مخصوص یا صیغه مخصوص که به عنوان معنای اصطلاحی ذکر شده، خصوص لفظ در آن مقصود نیست بلکه لفظ است و معنا هم دارد ولی این معنا، معنای اشتقاقی نیست یعنی لفظ مهمل نیست بلکه دارای معنا است ولی این معنا اشتقاقی نیست.

محقق اصفهانی می فرماید: اگر این احتمال را در نظر بگیریم در خود قول مخصوص معنای اشتقاقی وجود دارد. به عبارت دیگر ایشان قصد دارد مسئله اشتقاق را از درون خود قول مخصوص بدست بیاورد بدین منظور می فرماید: قول مخصوص بالاخره در آن قول و لفظ وجود دارد یعنی وقتی می گوئید هو قول المخصوص؛ این قول از مقوله کیف است یعنی قول انسان در مجموعه مقولات تسع از مقوله کیف و از کیف مسموع است چون خود کیف هم دارای اقسامی است کیف مسموع یعنی کیفی که شنیده می شود و مربوط به سمع انسان است پس اگر قول، کیف مسموع باشد، این مسموع بودن در ماهیت و حقیقت قول مخصوص دخالت دارد یعنی به نوعی از ذاتیات قول است که آنرا از غیر خودش ممتاز می کند. حال اگر مسموع به عنوان جزء ممیزه ماهیت قول در نظر گرفته شود، در این صورت اشتقاقی بودن معنای قول مخصوص کاملاً واضح می شود چون می گوئیم القول المخصوص ما هو؟ گفته می شود: هو الکیف المسموع؛ به عبارت دیگر از ابتدا سوال می شود: ما هو معنی الامر اصطلاحاً؟ یعنی اگر کسی سوال کند معنای اصطلاحی ماده امر چیست؟ در جواب می گوئید هو القول المخصوص و اگر مجدداً سوال کند که قول مخصوص چیست؟ می گوئید هو الکیف المسموع؛ همین قدر که پای مسموع به میان می آید، مسموع یک معنای اشتقاقی دارد چون اسم مفعول است زیرا هر چیزی در قالب یکی از هیئت های فاعل، مفعول، امر و نهی و ... قرار بگیرد دارای معنای اشتقاقی می شود و اگر معنایی جامد باشد، دیگر نمی توان با آن اسم مفعول درست کرد و همین که بتوان با یک معنایی اسم فاعل و اسم مفعول و ... درست کرد، معلوم می شود آن معنا یک معنای اشتقاقی است. در اینجا هم وقتی می گوئیم که قول مخصوص عبارت از کیف مسموع است، این در واقع یک معنای اشتقاقی است که جزء ماهیت قول است و موجب امتیاز و تفاوت قول با سایر کیف ها می شود.

بنابر این در اینجا اشتقاق در خود معنای اصطلاحی وجود دارد و دیگر نباید بگوئیم که اگر ما معنای اصطلاحی ماده امر را عبارت از صیغه و قول مخصوص دانستیم، دیگر به این معناست که اشتقاقی در کار نخواهد بود. پس هم مرحوم آخوند و هم محقق اصفهانی تلاش می کنند که به نوعی بگویند معنای اصطلاحی ماده امر هم یک معنای اشتقاقی است.

فرق پاسخ محقق اصفهانی و پاسخ مرحوم آخوند

تفاوت پاسخ محقق اصفهانی با مرحوم آخوند در این است که محقق اصفهانی اشتقاقی بودن معنا را در رابطه با ذات لفظ و قول دانست یعنی فرمود: خود قول مخصوص وقتی تحلیل می شود عبارت از کیف مسموع است پس در نهان خود قول مخصوص حیثیت اشتقاقی نهفته است چون مسموع در آن است اما مرحوم آخوند این حیثیت اشتقاقی را در ذات خود قول و لفظ مطرح نکرد بلکه ایشان فرمود: معنای اصطلاحی ماده امر عبارت است از: «هو الطلب الذی یدل علیه القول المخصوص» یعنی طلبی که قول مخصوص بر آن دلالت می کند یعنی ایشان طلب را معنای اشتقاقی دانسته که خارج از ذات قول است چون مدلول خارج از دال است.

پس اشتقاقی بودن در پاسخ آخوند به ذات قول و لفظ مربوط نیست اما طبق نظر محقق اصفهانی اشتقاقی بودن از دل خود قول بیرون آمده و به ذات لفظ و قول برمی گردد.

امام (ره) پاسخ دیگری به این اشکال دادند که با ذکر این پاسخ در واقع سه پاسخ به این اشکال داده شده که ما بعد از آن باید مقایسه‌ای بین این پاسخ‌ها داشته باشیم.

پاسخ امام

امام ره اینچنین پاسخ می‌دهند: درست است، هیئت افعال یا این عنوان القول المخصوص، معنای حدیثی و اشتقاقی ندارد ولی همین صیغه و هیئت اگر به ملاحظه انتساب به متکلم و صدور از لافظ در نظر گرفته شود، یک جهت حدیثی و اشتقاقی پیدا می‌کند مثلا خود لفظ کلام دارای معنای حدیثی نیست ولی وقتی با لافظ و گوینده این سخن سنجیده می‌شود، عنوان متکلم و تکلم و ... حادث می‌شود که یک معنای حدیثی و اشتقاقی است. در اینجا هیئت افعال و قول مخصوص هم اینگونه است یعنی قول مخصوص فی نفسه معنای حدیثی و اشتقاقی ندارد یعنی امام کآن می‌پذیرد معنای قول مخصوص یک معنای غیر اشتقاقی است ولی می‌گوید همین معنای غیر اشتقاقی و غیر حدیثی وقتی با گوینده سخن لحاظ می‌شود و به ملاحظه گوینده در نظر گرفته می‌شود، معنای حدیثی و اشتقاقی پیدا می‌کند پس القول المخصوص اگر به ملاحظه گوینده این قول در نظر گرفته شود می‌گوئیم قائل یا قول یا مقول و این معنای حدیثی و اشتقاقی است. این راه حل امام است.

فقط این نکته را یادآوری کنم که ما قبلا مطلبی را از امام ره در مورد معنای لغوی و عرفی ماده امر ذکر کردیم، لکن در نظر امام ره فرقی بین معنای اصطلاحی و لغوی نیست یعنی امام ره به طور کلی معتقد است معنای اصطلاحی همان معنای لغوی و عرفی است، برخلاف مرحوم آخوند که یک معنای اصطلاحی و یک معنای لغوی را قائل بود و بین اینها هم تفاوت قائل بود اما امام ره می‌فرماید: فقط یک معنا در اینجا وجود دارد و آن معنا نیز معنای جامع اسمی است که هیئات مختلف را در برمی‌گیرد یعنی کان ایشان برای ماده امر یک معنا قائل است که آن معنا را همان معنای لغوی و عرفی می‌داند. البته در اینکه این معنای حرفی است یا معنای اسمی، امام ره تصریح می‌کند که این یک معنای اسمی دارد و همه هیئات را هم شامل می‌شود لکن این جامع اسمی بین همه هیئات به لحاظ انتسابش به گوینده می‌تواند یک معنای حدیثی پیدا کند یعنی ایشان نه مشترک لفظی و نه مشترک معنوی را قائل نیست حتی احتمالی را هم که ما بیان کردیم که چه بسا بتوان به نوعی به عهده امام ره گذاشت، آن احتمال هم بعید است چون قبلا گفتیم شاید مثلا بتوانیم بگوئیم که در نظر ایشان محذور اشتراک معنوی کمتر از اشتراک لفظی است، ولی این بیان به حسب ظاهر با عبارات ایشان سازگار نیست.

فرق پاسخ امام و پاسخ آخوند و پاسخ محقق اصفهانی

حال باید ببینیم که بین پاسخ امام ره و مرحوم آخوند و محقق اصفهانی چه فرقی است؟

طبق نظر محقق اصفهانی معنای حدیثی مربوط به ذات لفظ است اما به نظر مرحوم امام ربطی به ذات لفظ ندارد یعنی طبق نظر امام ره این حالت اشتقاقی و حدیثی به ذات قول و لفظ مربوط نیست و یعنی ذات قول و لفظ معنای اشتقاقی ندارد بلکه وقتی ما لفظ و قول را با متکلم می‌سنجیم، یک معنای حدیثی و اشتقاقی پیدا می‌شود. از این جهت پاسخ امام مانند پاسخ محقق خراسانی است چون محقق خراسانی هم در واقع اشتقاقی بودن را به ذات قول و لفظ مرتبط ندانست یعنی در نظر ایشان هم ذات لفظ معنای حدیثی و اشتقاقی ندارد بلکه معنای اشتقاقی از مدلول آن قول یعنی طلب استفاده می‌شود یعنی به نظر وی معنای اشتقاقی به مدلول مربوط می‌شود.

لذا از این جهت پاسخ امام ره و پاسخ محقق خراسانی فرقی ندارد چون گویا هر دو حدیثی بودن و اشتقاقی بودن را مربوط به ذات قول و لفظ نمی‌دانند البته تفاوت آنها هم از این جهت است که امام (ره) اصولاً اشتقاقی بودن معنای اصطلاحی را نه در رابطه با خود قول و نه در رابطه با مدلول قول می‌داند یعنی اصلاً می‌فرماید این ارتباط به انتساب به گوینده دارد اما مرحوم آخوند می‌فرماید که اشتقاقی بودن معنا، درست است که از خود قول بدست نمی‌آید اما از مدلول قول استفاده می‌شود یعنی معنا به نوعی اشتقاقی است.

«الحمد لله رب العالمین»